

هدف معجزات

معجزات معمولاً به عنوان رویدادهایی در نظر گرفته می‌شوند که نمی‌تواند بخودی خود در دنیای طبیعی رخ دهد. یعنی قدرتی ماورای طبیعت یا چیزی که خارج از طبیعت اقدام به مداخله کرده و سبب تغییر فرایند و حاصل کار بصورت غیر قابل انتظار شده است. ما معمولاً می‌گوییم اتفاق مافوق طبیعی رخ داده است. این تعریف معمول معجزه است که هم مورد قبول معتقدین به معجزه و هم مورد قبول آنانی است که اعتقادی به آن ندارند. البته مسیحیان به معجزه اعتقاد دارند؛ معجزات نه تنها ممکن هستند بلکه معجزات ثبت شده در کتاب مقدس بوسیله خود خداوند یا از طریق قدرت او به انجام رسیده است.

چرا خداوند معجزه می‌کند؟ در کل چرا در دنیای طبیعی مداخله می‌کند؟ پاسخ این سوال برای مسیحیان از این حقیقت سرچشمه می‌گیرد که خداوند خالق طبیعت است (پیدایش ۱: ۱؛ مقالات عمومی: آفرینش، تکامل، یا هر دو؟ مشاهده شود). خداوند جهان مادی را بر اساس خواست و میل خود آفرید. چطور خالق می‌تواند در کار خلقت خود دیگر دخالت نداشته باشد؟ ما نباید تعجب کنیم که خداوند جهان طبیعی را دوست دارد و هنوز برای اداره درست آن مشغول به کار می‌باشد. خداوند صرفاً خالق جهان نیست بلکه حاکمیت او بر جهان نیز تداوم دارد (اول تواریخ ۲۹: ۱۱-۱۲؛ مقالات عمومی: مقدمه تاریخچه نجات، مشاهده شود). معجزات این حقیقت را هم به قوم خداوند و هم به آنانی اعلام می‌کند که از قوم او نیستند (خروج ۷: ۵؛ تثنیه ۴: ۳۴-۳۵). خداوند از طریق معجزات خود، جلالی را دریافت می‌کند که سزاوار پادشاه کل خلقت و هستی است (خروج ۱۴: ۱۸؛ متی ۱۵: ۳۰-۳۱؛ اعمال ۴: ۲۱). معجزات در واقع نشان می‌دهند که خداوند واقعا چه کسی است.

یکی از دلایل اصلی معجزات خداوند این است که محبت عظیم خود را به قومش نشان دهد. خداوند بطور مداوم مواظب قوم خود است، و خداوند احتیاجات ایشان را در موارد بسیار بوسیله راههای مافوق طبیعی تدارک می‌بیند. عهد قدیم مکرراً "تدارکات مافوق طبیعی" از قبیل آب و آذوقه اسرائیلیهای سرگردان در بیابان را به ما یاد آوری می‌کند (خروج فصل ۱۶-۱۷). بلدرچین در اصل یک پرنده طبیعی است، اما خداوند آنها را در زمان نیاز اسرائیلیها و درست بعد از اینکه وعده آنرا داد فراهم نمود. این چیزی بیش از یک تصادف یا قضا و قدر بود. و حتی اگر مَنْ نوعی غذای طبیعی در نظر گرفته شود پس این طبیعی نبود که تدارک آن در روز سَبَّت متوقف شود. بوضوح معلوم است که خداوند چیزی مافوق طبیعی را سازماندهی کرده بود. دست خداوند در غذایی که کلاغها برای ایلیا می‌آوردند و همچنین در تداوم عرضه آرد و روغن برای بیوه زن، کاملاً قابل تشخیص است (اول پادشاهان ۱۷: ۲-۱۶). و اَلِیْشَع نیز تدارکات مافوق طبیعی خداوند را نیز به طریقی مشابه تجربه نموده بود (دوم پادشاهان فصل ۴).

برگرفته از سایت رازگاه